

مقدمه:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار حکومت اسلامی در ایران، حذف قوانین و مقررات مخالف با موازین شرعی و جایگزین کردن آنها با احکام اسلامی، در راس اهداف دستگاه های قانون گذاری کشور قرار گرفت. در این راستا بیشترین تحولات در بخش مقررات جزایی به وجود آمده است که باید آن را نوعی بحران قانون گذاری نامید. در راستای اهداف یاد شده مجموعه های قوانین جزایی تحت عنوان قانون راجع به اسلامی در سال ۱۳۶۱، قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) در سال ۱۳۶۲ به تصویب رسید. این قوانین که به صورت آزمایشی به تصویب رسیده بودند، سالها مورد استناد قرار گرفته و در عمل کاستی های خود را نشان دادند. بدین دلیل در سال ۱۳۷۰ قانون مجازات اسلامی شامل مقررات عمومی و بخش حدود، قصاص و دیات به تصویب رسید. متعاقب آن نیز بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵ به تصویب رسید.

در این تغییرات یاد شده نکات مثبت فراوان به چشم می خورد. روند تحولات به سمت بهتر شدن قوانین از جنبه های مختلف است. به ویژه آنکه در قوانین جدید به نحو چشمگیری تمایل بر غلبه دادن جنبه عمومی جرایم است. تا حدودی مجازات های متنوع از جمله حبس و جزای نقدی جای تازیانه را گرفته و یا در کنار آن قرار گرفتند. این خود نشان دهنده تحول در نگرش به ماهیت مجازات های تعزیری است بدین گونه قانون گذاری اسلامی علاقه ی خود را به مسئله ی تبدیل ماهیت مجازات ها ابراز کرده است. و این نشان دهنده ی این است که تبدیل مجازات چه در مرحله ی تقنین و چه قضاوت مد نظر بوده است. البته نه اینکه فکر کنیم مسئله ی تبدیل مجازات ها، موضوعی است که پس از انقلاب اسلامی مطرح شده است. بلکه در طول تاریخ و در جوامع مختلف بشری، این امر به شکلی ظهور یافته و وجود داشته است. حتی در کشور ما در

زمان قبل از انقلاب هم این موضوع مطرح بوده و در قوانین جزایی کشور هم بدان اشاره شده بود که در جای خود آن را بیان خواهیم کرد. اصولاً تبدیل مجازات مسئله ای است که از زمان شکل گیری مجازات ها مطرح بوده است. با توجه به نگاه و عقیده هر ملت در هر دوره‌ی تاریخی به موضوع اهداف و چگونگی اعمال مجازات و ظهور مکاتب حقوقی مختلف، تبدیل مجازات به شکل خاصی مطرح می‌شده است. هر یک از مکاتبی که در هر دوره مورد توجه بیشتری قرار می‌گرفتند، اهداف خاصی را به عنوان مهمترین اهداف اعمال مجازات در نظر می‌گرفتند و متناسب با آن به اعمال نوع خاصی از مجازات ها تمایل پیدا می‌کردند و تا حد امکان سایر مجازات ها را به آن نوع خاص تبدیل می‌کردند.

می‌توان گفت اهداف و خصوصیات مجازات ها، غالباً جنبه های نظری کیفر را آشکار می‌کنند. اما از لحاظ عملی، مجرمی که مرتکب جرمی می‌شود و تحقیقات مقدماتی و صدور قرار مجرمیت و بعد کیفر خواست را پشت سر می‌گذارد، به دادگاه صالح هدایت می‌شود تا دادگاه به بررسی عمل او و میزان کیفری که باید تحمل کند بپردازد. در دادگاه چنانچه مقتضیات صدور حکم بر مجازات موجود باشد حکم کیفری صادر می‌شود. ولی بعضاً این حالت اتفاق نمی‌افتد. گاه قاضی برای صدور حکم با عللی برخورد می‌کند که مسائلی همچون تخفیف، تشدید و تبدیل مجازات را می‌طلبد. به علاوه گاهی ممکن است به دلایلی قاضی علیرغم صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات را مصلحت بداند یا حکم به آزادی مشروط بدهد. تمام این مسائل موضوعاتی هستند که هر یک جایگاه بسیار مهمی در حقوق جزا دارند. در مورد هر یک به تفصیل مطالبی بیان شده است. ولی به مسئله تبدیل کمتر پرداخته شده است که پردازش به این موضوع بصورت جداگانه ضروری می‌نماید.

بیان موضوعات زیر به عنوان مدخل پایان نامه ضروری است:

۱- بیان موضوع و انگیزه انتخاب آن

آن چه را قانونگذار در متون قوانین به عنوان مجازات تعیین می کند، در واقع مفهوم کلی و تئوری مجازات است. اما مجازاتی که به وسیله دادگاه کیفری تعیین می گردد، مفهوم بالفعل مجازات است. بحثی که در این پایان نامه خواهیم داشت، مطالعه قواعدی است که در تعیین مجازات به معنای بالفعل آن بایدرعایت شود. قاضی کیفری پس از احراز مجرمیت مرتکب، بین حداقل و حداکثر مجازاتی که در قانون آمده، میزانی را که متناسب با درجه‌ی مسئولیت کیفری مجرم است تعیین می کند. اما حدود اختیار دادگاه کیفری در تعیین مجازات همیشه محدود به این حداقل و حداکثر نیست. چه بسا موجبات تخفیف یا تبدیل کیفر در پرونده وجود داشته باشد و مجازات بالفعل متأثر از این دو نهاد حقوق جزا گردد. یعنی در مواردی مجازات بالفعل از حداقل مجازات تعیین شده از قانون کمتر شود و در مواردی مجازات بالفعل به نوع دیگری از مجازات مغایر با آنچه در قانون آمده است تبدیل گردد. که ما در این پایان نامه به بررسی شق دوم یعنی مواردی که مجازات منعکس شده در دادنامه مغایر با مجازات تعیین شده در قانون می باشد یا به عبارتی تبدیل مجازات خواهیم پرداخت. انگیزه انتخاب این موضوع، با توجه به این که نظام جزایی هر جامعه مهمترین نهادی است که ارزشها و آزادی های افراد آن جامعه را تضمین و تحکیم می نماید و یکی از مفاهیم کلیدی حقوق جزا، ضمانت اجرای مخصوص آن است که غالباً به شکل مجازات و اقدامات تأمینی تربیتی اعمال می گردد. در تعیین مجازات و سایر ضمانت اجرای کیفری کاملاً باید مراقب بود که همه‌ی مجرمین دارای شرایط یکسانی نیستند بلکه هر یک تحت تأثیر عوامل گوناگون و شرایط و اوضاع و احوال مختلف، مرتکب عمل مجرمانه می گردند. یکی از اهداف اصلی

حقوق جزا، اصلاح بزهکاراست و نظام کیفری هر جامعه به قاضی کیفری اجازه می‌دهد که کسانی که مستحق رأفت و عطف بیشتری هستند، مجازات آنها را تحت شرایطی به نوع دیگری تبدیل نمایند تا از این طریق اصل تفرید مجازات را به اجرا گذارد و مجازات متناسب با شخصیت مجرم را در خصوص وی تعیین نماید و با توجه به این که امروزه حقوق کیفری در صدد آن است که خود را با اندیشه‌های نو جرم‌شناسی هماهنگ سازد؛ از این رو انجام تحقیقات و کارهای علمی جهت بررسی مسائلی همچون تبدیل مجازات بیش از پیش ضرورت پیدا می‌کند. نگارنده بر آن گردید تا در این راستا موضوع پایان‌نامه‌ی خود را انتخاب نماید.

۲- سؤالات تحقیق

مهم‌ترین سؤالاتی که در ذهن نگارنده نقش بسته و این تحقیق در راستای جوابدهی به آنان نگاشته

شده است عبارتند از:

۱- ایرادات وارد بر قانونگذاری در خصوص موضوع تبدیل مجازات چه می‌باشند؟

۱-۱- ایرادات وارد بر ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی چه می‌باشد؟

۱-۲- ایرادات وارد بر ماده ۳ قانون نحوه وصول درآمدهای دولت چه می‌باشد؟

۱-۳- ایرادات وارد بر ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی چه می‌باشد؟

۱-۴- ایرادات وارد بر ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی چه می‌باشد؟

۲- ایرادات وارد بر رویه‌ی محاکم و مراجع قضایی در خصوص موضوع تبدیل مجازات چه می‌باشد؟

۲-۱- ایرادات وارد به رویه‌ی محاکم در راستای اعمال ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی چه می‌باشد؟

۲-۲- ایرادات وارد به رویه‌ی محاکم در راستای اعمال ماده ۳ قانون نحوه وصول درآمدهای دولت چه می‌باشد؟

۲-۳- ایرادات وارد به رویه‌ی محاکم در راستای اعمال ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی چه می باشد؟

۲-۴- ایرادات وارد به رویه‌ی محاکم در راستای اعمال ماده ۱ قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی چه

می باشد؟

۳- آثار حقوقی تبدیل مجازات در تقابل با اصول حاکم بر مجازات‌ها چه می باشد؟

۳-۱- تبدیل مجازات با توجه به اعمال سلیقه‌ی پیش بینی نشده‌ی قاضی، حین صدور حکم در تقابل با اصل

قانونی بودن مجازات‌ها چگونه توجیه می شود ؟

۳-۲- تبدیل مجازات با توجه به تعیین احکام متفاوت برای مجرمین با جرم واحد، در تقابل با اصل تساوی

مجازات‌ها چگونه توجیه می شود ؟

۳- فرضیات تحقیق

فرضیات بدوی که نگارنده در جواب سؤالات اصلی تحقیق متصور است بدین شرح است که:

۱- عملکرد قانونگذار در تقنین مواد مربوط به تبدیل مجازات از جمله ماده‌ی ۲۲ قانون مجازات اسلامی، ماده ۳

قانون نحوه‌ی وصول درآمدهای دولت، ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی ، ماده ۱ قانون نحوه ی اجرای

محکومیت‌های مالی با ایراداتی روبرو است .

۱-۱- ایرداتی به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی وارد است. از جمله وجود ضوابط واحد ناظر بر دو نهاد تبدیل

و تخفیف مجازات در این ماده ی قانونی ؛ موسع بودن جهات تبدیل مجازات در این ماده قانونی؛ نبودن یک

میزان معین در خصوص نسبت مجازات اولیه به مجازات تبدیل شده در این ماده قانون؛ سکوت این ماده

قانونی در خصوص جواز اعمال تبدیل مجازات در مورد تکرار جرم.

۱-۲- در ماده ۳ قانون نحوه وصول درآمد های دولت، قانونگذار صراحتاً در خصوص الغای حبس های کوتاه مدت اظهار نظر ننموده و این موضوع باعث اختلاف رویه ی محاکم شده است؛ قانونگذار در تعیین مبلغ جزای نقدی ثابت در این ماده ی قانون اشتباه کرده است؛ قانونگذار حد سه ماه حبس را بعنوان حد حبس های کوتاه مدت اشتباه تعیین نموده است.

۱-۳- در ماده ی ۲۰ قانون مجازات اسلامی، قانونگذار در پیش بینی جزای نقدی بعنوان مجازات جایگزین مجازات تکمیلی اشتباه نموده است؛ قانونگذار در عدم تعیین نسبت مجازات جایگزین به مجازات تکمیلی اولیه اشتباه نموده است؛ قانونگذار در عدم تعیین صریح دادگاه اعمال کننده ماده ۲۰ اشتباه نموده است؛ قانونگذار در نحوه ی نگارش ذیل ماده ۲۰ مبادرت به مبهم نویسی نموده است که باعث برداشتهای متفاوت از جانب مراجع قضایی گردیده است.

۱-۴- قانونگذار در عدم تصریح به لزوم اخذ نظر محکوم علیه در راستای اعمال ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی اشتباه نموده است؛ قانونگذار در نحوه ی نگارش ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی دچار اشتباه گردیده است.

۲- رویه محاکم در راستای اعمال مواد مربوط به تبدیل مجازات حسب مورد ایراداتی دارد.

۲-۱- محاکم بعضاً میزان مجازات تبدیل شده را متناسب با مجازات اولیه تعیین نمی نمایند؛ محاکم بعضاً در تعیین جزای نقدی بعنوان مجازات جایگزین، تمول و دارای محکوم علیه را مد نظر قرار نمی دهد و از یک رویه ثابت پیروی می نمایند؛ محاکم بعضاً از نهاد تبدیل مجازات در موارد لزوم استفاده نمی نمایند؛ محاکم بعضاً تبصره یک ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی را آنگونه که مد نظر قانونگذار است اعمال نمی نمایند.

۲-۲- محاکم بعضاً به تعیین مجازات حبس کمتر از سه ماه و یک روز می پردازند.

۲-۳- محاکم بعضاً در تعیین دادگاه اعمال کننده ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی با رویه های متفاوت عمل می کند و بعضاً دادگاه های صادر کننده حکم غیر قطعی اقدام به اعمال مقررهی فوق می نماید؛ محاکم بعضاً نظر دادرسی مجری حکم را در راستای اعمال ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مد نظر قرار نمی دهند.

۲-۴- محاکم بعضاً در راستای اعمال ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی اظهار نظر محکوم علیه را اخذ نمی نماید و رأساً مبادرت به اعمال مقررهی فوق می نمایند.

۳- تبدیل مجازات تناقضی با اصول حاکم بر مجازاتها ندارد.

۳-۱- تبدیل مجازات با توجه به اینکه خود نهادی قانونی و در راستای تخفیف می باشد، تعارضی با اصل قانونی بودن مجازاتها ندارد .

۳-۲- تبدیل مجازات با توجه به اینکه در راستای اصل تفرید می باشد و اصل تساوی مجازاتها تعارضی با اصل تفرید مجازاتها ندارد و با توجه به تعریف صحیح تری که از اصل تساوی مجازاتها باید پذیرفت ؛ در راستای احقاق حق می باشد و تعارضی با اصل تساوی مجازاتها ندارد .

۴-اهداف تحقیق

اهداف این تحقیق عبارتند از: ۱-تعیین یک سیاست و خط مشی مشخص جهت کمک به قانون گذار در تدوین و تغییر مقررات مربوط به تبدیل مجازات. ۲- مشخص نمودن ایرادات قانونگذاری در قوانین مرتبط با موضوع تبدیل مجازات ؛ جهت بازنگری و اصلاح از جانب قانونگذار. ۳- بررسی و تفسیر قوانین مرتبط با موضوع تبدیل مجازات ، جهت روشن شدن ابهامات موجود در راستای کمک به محاکم صادر کننده حکم برای برداشت صحیح از قوانین صدور احکام منطبق با قانون . ۴- بررسی رویه های قضایی، حسب مورد در

راستای اعمال قوانین مرتبط با تبدیل و برگزیدن رویه‌ی صحیح‌تر، جهت انتخاب و اصلاح رویه‌ی قضایی از جانب محاکم صادر کننده‌ی حکم.

۵- پیشینه تحقیق

در خصوص سوابق تحقیق پیرامون موضوع این پایان‌نامه باید گفت بیشتر تحقیقات و پایان‌نامه‌هایی که مرتبط با این موضوع نگاشته شده‌اند، به بررسی ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی پرداخته‌اند و بیشتر موضوع تخفیف مجازات مدنظر قرار گرفته است. از جمله یک رساله‌ی دکتری که در سال ۱۳۴۶ تحت عنوان تخفیف و اقساط مجازات و یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تحت عنوان تخفیف مجازاتها در حقوق ایران که در سال ۱۳۶۳ به رشته تحریر در آمده است. لیکن در خصوص تبدیل مجازات به صورت جداگانه در حدود اطلاع اینجانب تاکنون کار تحقیقی به عمل نیامده است. در مورد مقالات نیز در خصوص تبدیل مجازات به تنهایی، کمتر مقاله‌ای نگاشته شده است. مقالاتی که مرتبط با موضوع تاکنون نگاشته شده‌اند، می‌توان از مقاله‌ی با عنوان تبدیل اجباری حبس‌های کوتاه مدت به جزای نقدی به قلم عسکر قهرمانی، درج شده در شماره ۲۵ مجله‌ی دادرسی در فروردین ۱۳۸۰؛ همچنین از مقالات با عناوین تخفیف و تبدیل مجازات در دادگاه‌های نظامی به قلم حمید دلیر، درج شده در شماره ۷۵ مجله‌ی دادرسی در مردادماه ۱۳۸۵؛ تخفیف و تبدیل مجازات در قانون جرایم نیروهای مسلح به قلم قوام میرعظیم، درج شده در شماره‌ی ۲۸ مجله‌ی دانش نظامی در بهار ۱۳۸۵ و نیز بررسی ماده‌ی ۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، تبدیل بدون تخفیف، به قلم سواد کوهی، درج شده در شماره‌ی ۱۲ مجله‌ی دادرسی در بهمن ماه ۱۳۷۷ نام برد.

انشاءالله این پایان‌نامه‌ی ناچیز، آغازی به تحقیقات بعدی باشد.

۶- شیوهی تحقیق و محدودیت‌ها

شیوهی تحقیق در علوم انسانی با آنچه در علوم طبیعی متداول است متفاوت می‌باشد البته شیوه‌های تحقیق نظیر استفاده از آزمون، پرسشنامه، مشاهده و آمار، اخیراً در علمی مثل جامعه‌شناسی، روانشناسی و جرم‌شناسی نیز رواج یافته است. اما هنوز در علوم نظری یافتن قواعد و اصول ثابت و لایتغیر چندان آسان نیست. در نتیجه روش تحقیق این پایان‌نامه که در قلمرو حقوق جزا نگاشته شده است تا حدودی جنبه‌ی کتابخانه‌ای دارد و در کنار آن بعضاً آراء محاکم و نظریات اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه نیز دیده می‌شود. مهمترین محدودیت موجود در سر راه این تحقیق عدم پرداخت جدی از جانب محققین و نویسندگان به این موضوع و کمبود مطلب و منبع در این خصوص بوده است. چرا که مسئله‌ی تبدیل مجازات تحت لوای بحث تخفیف مجازات قرار گرفته و به صورت گذرا به آن پرداخته شده است. البته محدودیت زمانی اینجانب با توجه به مشغله‌ی کار قضایی و نیز خدمت در نقطه محروم و به دور از منابع و محافل علمی نیز در این راستا قابل ذکر می‌باشد.

۷- تقسیم مطالب

در این پایان‌نامه با توجه به اینکه بررسی تبدیل مجازات در سیاست جنایی ایران مد نظر است، آنچه جهت بررسی یک موضوع، بدو حائز اهمیت به نظر می‌رسد؛ شرح موضوع و تبیین مفهوم و تفصیل آنچه در ادامه به آن پرداخته خواهد شد؛ می‌باشد. همچنین موضوعات دیگر که در ابتدا لازم است بررسی گردند، پیشینه‌ی موضوع و فلسفه و چرایی وجود موضوع می‌باشد. چرا که تا زمانی که پیشینه یک امر بررسی و تحلیل نگردد، جایگاهی که در حال حاضر در آن قرار گرفته و در صدد بررسی وضعیت کنونی در خصوص موضوع

قرار داریم؛ چندان مشخص نمی باشد. از طرفی تا زمانی که لزوم و چرایی موجودیت یک موضوع مشخص و روشن نگردد، چرایی و دلیل بحث در خصوص آن موضوع توجیه نمی گردد.

در ادامه بررسی و تحلیل یک موضوع بررسی انواع و مصادیق موجود از موضوع، همچنین احکام و قلمرو حاکمیت آن می تواند بعنوان پیکره‌ی اصلی تحلیل موضوع نمایان گردد.

در پایان پس از شناسایی موضوع و احکام و انواع و قلمرو، آنچه ما را جهت دستیابی به یک نتیجه صحیح از بررسی موضوع تحقیق رهنمون می نماید؛ بررسی آثار حقوقی موضوع می باشد.

در خصوص موضوع تبدیل مجازات و عنوان این پایان نامه که تبدیل مجازات در سیاست جنایی (تقنینی، قضایی) می باشد، مطلب بسیار مهم دیگر که باید مورد بررسی قرار گیرد، ارزیابی عملکرد مقنن می باشد.

علی ایحال در این پایان نامه بدو در فصل اول به تبیین مفاهیم، پیشینه و فلسفه‌ی تبدیل مجازات خواهیم پرداخت. در فصل دوم انواع، قلمرو و احکام تبدیل مجازات ذکر خواهد شد و در فصل سوم آثار حقوقی تبدیل مجازات و ارزیابی عملکرد مقنن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

فصل اول:

تبیین مفاهیم ، پیشینه و فلسفه‌ی تبدیل مجازات

برای این که بتوان به طور جدی مسایل مربوط به تبدیل مجازات را بررسی نمود، می‌بایست بدو صورت مسئله یا موضوع مورد بررسی، تشریح گردد تا این که مخاطب با یک پیش زمینه ذهنی و بادانستن این که مادر مورد چه چیزی می‌خواهیم در پایان‌نامه بحث نماییم، در جریان صحیح بررسی‌ها قرار گیرد. اما در راستای تشریح هر موضوع می‌بایست بدو مفهوم آن موضوع روشن گردد. در این فصل مفهوم و معنای تبدیل مجازات بیان خواهد گردید. هم چنین با توجه به این که تمامی داشته‌های علمی و تجربی بشرامروزی ریشه در معلومات و تجربیات پیشینیان دارد و حتی ابداعات و نوآوری‌ها نیز در مقایسه با سوابق و پیشینه معنا پیدا می‌کند؛ جهت بررسی موضوع تبدیل مجازات لازم است، پیشینه این نهاد حقوقی مورد بررسی قرار گیرد که ما در این فصل پیشینه تاریخی تبدیل مجازات را نیز مورد بررسی قرار خواهیم داد. یکی دیگر از مواردی که جهت شکل‌گیری یک پیش زمینه ذهنی در خصوص موضوع لازم است روشن گردد مسئله‌ی چرایی ایجاد و شکل‌گیری موضوع است. با این توضیح که اولین سؤالی که قبل از بررسی آثار و احکام مربوط به یک موضوع در ذهن بررسی کننده و محقق مطرح می‌گردد، چرایی ایجاد اصل موضوع است و بدیهی است اگر این مسئله از

طریق تشریح فلسفه‌ی موضوع توجیه نگردد، ادامه بحث و بررسی کاری عبث و بیهوده جلوه می نماید لذا در این راستا به چرایی و فلسفه‌ی تبدیل مجازات در این فصل پرداخته خواهد شد.

مبحث اول: تبیین مفاهیم و فلسفه‌ی تبدیل مجازات

در این مبحث با توجه به ضرورت شرح مفهوم تبدیل مجازات به عنوان پیش درآمدی به بررسی احکام و آثار این نهاد حقوقی؛ مفهوم تبدیل مجازات چه از لحاظ لغوی و چه از لحاظ اصطلاحی بیان خواهد گردید. هم چنین مفهوم واژگان مرتبط با تبدیل به صورت مختصر بیان خواهد گردید. بالاخص بالحاظ این که واژه مرتبط تخفیف، ارتباط تنگاتنگی در بحث مجازاتها با تبدیل مجازات دارد که در ادامه ی مطالب به آن بیشتر پرداخته خواهد شد. هم چنین در این مبحث به صورت مختصر ارتباط بین تبدیل و تخفیف مجازات مورد بررسی قرار خواهد گرفت و هم چنین فلسفه و چرایی تبدیل مجازات در گفتار دوم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

گفتار اول: مفاهیم

در این گفتار مفهوم تبدیل از لحاظ لغوی و هم چنین از لحاظ اصطلاحی بیان خواهد گردید. مفهوم دو مورد از واژگان مرتبط مورد بررسی و رابطه‌ی بین تبدیل و تخفیف مجازات تشریح خواهد شد. الف: مفهوم تبدیل: در این قسمت بدواً به بررسی مفهوم تبدیل پرداخته خواهد شد.

الف) تبدیل

در این قسمت بدواً به بررسی مفهوم تبدیل پرداخته خواهد شد..

۱. مفهوم لغوی

تبدیل در لغت‌نامه‌ی دهخدا به معنای بدل کردن، بدل چیزی آوردن، بدل کردن چیزی به چیز دیگر، گرفتن چیزی بدل چیز دیگر، عوض کردن چیزی به چیزی تحویل و تعویض آمده است.¹ تبدیل در فرهنگ فارسی معین، به معنای دیگرگون کردن و بدل کردن آمده است.² تبدیل در لغت به معنای تغییر است. لیکن تغییر از نوعی که ماهیت شیء را عوض نماید، بطوری که شیء تغییر یافته با شیء اولیه کاملاً ماهیتاً متفاوت باشد و نتوان نام شیء اولیه را بر آن نهاد

۲. مفهوم اصطلاحی

تبدیل مجازات در اصطلاح یعنی تغییر دادن نوع مجازات مقرر در قانون. عده‌ای³ تبدیل مجازات را تغییر ماهیت مجازات به مجازاتی مناسب تر به حال متهم دانسته اند. که در مباحث آتی در خصوص قید مناسب تر بودن به حال متهم بررسی بیشتری خواهیم نمود.

البته به نظر می‌رسد تعریف فوق تعریف جامع و مانعی نباشد چرا که در مواردی، تبدیل مجازات از باب تشدید می‌باشد و از طرفی طبق این تعریف، تقنین جدید مجازات توسط قانونگذار از باب تخفیف در خصوص جرم واحد نیز تغییر ماهیت مجازات است که مشمول تعریف می‌گردد، در حالی که بدیهی است این مورد نمی‌تواند تبدیل مجازات باشد. به نظر نگارنده بهترین تعریفی که برای تبدیل مجازات می‌توان ارائه نمود این است که: تبدیل مجازات به معنای تغییر دادن نوع مجازات مقرر در قانون توسط قاضی با اختیارات حاصل از تجویز قانون و یا با حکم تکلیفی قانون، می‌باشد.

¹ - [http://www.jajsoo.com/books/word book/dehkhoda](http://www.jajsoo.com/books/word%20book/dehkhoda).

² - [http://www.rismoos.com/moeen search result](http://www.rismoos.com/moeen%20search%20result).

³ - ایرج گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزای عمومی ۳-۲-۱، چاپ دوازدهم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴، ص ۳۴۹

در تبدیل مجازات باید ماهیت مجازات اولیه با ماهیت مجازات تبدیل شده متفاوت باشد بطوری که یک نام واحد به آن دو مجازات اطلاق نگردد. در هر حال مجازات باید از نوعی به نوع دیگر تغییر پیدا کند تا بتوان گفت تبدیل شده است. مانند تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی. اما تغییر در میزان مجازات را تبدیل نمی‌گوییم. گاه قانون‌گذار ضمن تعیین حدود و قواعد کلی، به قاضی کیفری اجازه می‌دهد که در صورت احراز موجبات و علل خاصی در حین صدور حکم، مجازات مرتکب را به نوع دیگری تبدیل کند.

ب) واژگان مرتبط

در این گفتار به بررسی دو واژه‌ی مرتبط با واژه تبدیل خواهیم پرداخت. اولین واژه، واژه تخفیف است که ارتباط تنگاتنگی با تبدیل در مسئله مجازات‌ها دارد که در گفتار بعد ارتباط بین تخفیف و تبدیل مورد بررسی بیشتر قرار خواهد گرفت. واژه‌ی دیگر واژه‌ی تفسیر می‌باشد که به صورت مختصر معنای لغوی و اصطلاحی آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. تخفیف

تخفیف در لغت نامه دهخدا به معنای سبک کردن، سبکی و سبک‌کردگی، ملایمت و تسکین و کمی و کم‌کردگی و کاستی و آسان گرفتن آمده است.¹

در فرهنگ فارسی معین تخفیف به معنای سبک کردن، کم کردن قیمت چیزی و مختصر کردن کلمه با ساکن کردن، آمده است.²

¹ - http://www.jajsoo.com/books/word_book/dekhoda

² - http://www.rismoone.com/moeen_search_result

از نظر اصطلاحی تخفیف مجازات به تعیین مجازات کمتر از حد مقرر و مندرج در قانون توسط قاضی پس از احراز جهات قانونی گویند. با این توضیح که قاضی کیفری پس از احراز مجرمیت مرتکب، بین حداقل و حداکثر مجازاتی که در قانون آمده است، میزانی را که متناسب با درجه مسئولیت کیفری متهم است، تعیین می‌کند. اما حدود اختیار دادگاه در تعیین مجازات، همیشه محدود به حداقل و حداکثر نیست، چه بسا موجبات تخفیف یا تشدید مجازات در پرونده وجود داشته باشد. البته در مورد تشدید با توجه با رأی وحدت رویه قاضی نمی‌تواند از حد قانونی، بیشتر مجازات تعیین نماید. بنابراین دادگاه در مقام تعیین مجازات ممکن است در مقابل دو وضعیت مختلف قرار گیرد؛ یکی وضعیت کاملاً عادی و دیگری وضعیتی که در آن موجبات تخفیف یا تشدید مجازات ممکن است وجود داشته باشد. وضعیت عادی یعنی ساده‌ترین حالت و آن هماهنگی است که هیچ ویژگی خاصی در پرونده وجود ندارد و دادگاه مجازات متناسب باین را در حدود حداقل و حداکثر تعیین می‌نماید. وضعیتی که موجبات تشدید وجود داشته باشد مورد بحث ما نیست فقط در همین اندازه لازم به ذکر است که دادگاه تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند از حداکثر مجازات قانونی فراتر رود و تشدید را با تعیین مجازات حداکثری قانونی و یا نزدیک به آن می‌تواند اعمال نماید

موضوع تخفیف در مجازات اگر چه لفظاً و ظاهراً با موضوع تبدیل مجازات متفاوت است، اما در عمل گاه یک کاربرد دارند و یا از لحاظ کاربردی شباهت فراوانی با یکدیگر دارند. و این شباهت بیشتر در جایی رخ می‌نماید که کیفیات مخففه و کیفیات مبدله در ماده‌ی قانونی واحد و به صورت یکسان آورده شود که همان ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی می‌باشد و ماده‌ی فوق‌الذکر با اختلاف چشم‌گیری در مواردی که مجازاتی تبدیل می‌شود یا تخفیف می‌یابد مورد استناد قرار می‌گیرد. اما تفاوت آشکاری که بین تخفیف و تبدیل مجازات وجود دارد به این مسئله مربوط می‌شود که در تخفیف مجازات، میزان و کمیت مجازات تغییر پیدا می‌کند اما نوع و

ماهیت مجازات هیچ تغییری نمی‌کند. در صورتی که همان طور که اشاره شد، لازمه‌ی تبدیل مجازات، تغییر نوع و ماهیت آن است و این موضوع را با مثالی بیشتر توضیح می‌دهیم. در قوانین ثابت مانند قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ جرایم به سه دسته‌ی خلاف، جنحه و جنایت تقسیم می‌شدند. به تبع این تقسیم بندی سه نوع مختلف حبس-حبس خلافی، حبس جنحه‌ای و حبس جنایی وجود داشت. طبق ماده‌ی ۴۶ این قانون دادگاه می‌توانست در صورت احراز جهات مخففه بدین ترتیب عمل کند: طبق بند اول اعدام به حبس دائم، بند دوم حبس دائم به جنایی، بند چهارم حبس جنایی به جنحه ای و بند ششم حبس جنحه‌ای به جزای نقدی تبدیل می‌شدند. همان طور که در مثال آمده، محتوای بندهای دوم و چهارم از باب تخفیف مجازات است. چون ماهیت مجازات که حبس است ثابت مانده است. اما بندهای اول و ششم مشمول تبدیل مجازات می‌شدند. چون اعدام به حبس و حبس به جزای نقدی تغییر ماهیت داد اند. در بحث رابطه‌ی بین دو تأسیس حقوقی تخفیف و تبدیل مجازات، معمولاً تبدیل زیر مجموعه‌ی تخفیف عنوان می‌شود و اکثر حقوقدانان تبدیل مجازات را از باب تخفیف در مجازات می‌دانند. دلایلی هم برای این ادعا ذکر می‌کنند، از جمله این که در قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، تبدیل و تخفیف مجازات تحت یک ماده و دارای وحدت ملاک ذکر شده‌اند. هم چنین در بقیه‌ی قوانین مثل قانون نحوه‌ی وصول برخی درآمدهای دولت ۱۳۷۳ نیز تبدیل از مجازات سنگین‌تر به مجازات سبک‌تر مد نظر قرار گرفته و شرایط مخفف و سبک تری را بر متهم بار می‌نماید. هم چنین از طرفی طبق صراحت ماده‌ی ۲۲ قانون مجازات اسلامی، دادگاه می‌تواند مجازات را به مجازاتی تبدیل کند که مناسب‌تر به حال متهم باشد و اگر بر فرض مجازات مبدل شدیدتر از مجازات اولیه باشد دادگاه حق چنین تبدیلی را ندارد. در برابر این نظر، عده‌ای هم براین عقیده اند که تبدیل مجازات الزاماً در تحقق تخفیف آن نیست، بلکه تبدیل مجازات گاهی به منظور تخفیف است و گاهی برای تشدید مجازات، که این

تبدیل در راستای اعمال سیاست کیفری است که آن را مؤثرتر از مجازات منصوصه می‌داند و اذعان می‌دارند «هر چند جمله‌ی مناسب‌تر به حال متهم که در متن قانون آمده را می‌توان نوعی نگرش در تخفیف مجازات دانست، اما چون علی‌الاصول تشخیص این امر با دادگاه است، لذا امکان دارد در مواردی مجازات مناسب مورد نظر دادگاه، موقعیت متهم را تشدید کند. از این حیث بحث تبدیل به عنوان تخفیف درست نمی‌باشد»¹ این نظر قید مناسب‌تر را به معنای خفیف تر نمی‌داند بلکه تناسب تبدیل مجازات با یک سیاست جنایی صحیح را مد نظر قرار می‌دهد. ولی به نظر نگارنده با توجه به این که قاضی ملزم به رعایت مراد و منظور مقنن می‌باشد، در این جا این نظریه پذیرفته نیست چرا که جهاتی که موجب تخفیف مجازات و تبدیل مجازات در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مطرح شده‌اند عیناً یکی می‌باشند و منطقی به نظر نمی‌رسد، مثلاً اگر شاکی خصوصی نسبت به متهم گذشت نماید قاضی مجازات متهم را از جزای نقدی به حبس تبدیل نماید با این استدلال که مجازات حبس به حال متهم مناسب‌تر می‌باشد. البته برخی نیز مناسب‌تر بودن را این گونه تفسیر کرده‌اند که «مناسب بودن مجازات یعنی در خور و موافق بودن مجازات با وضع و حال محکوم علیه با این فرض که مجازات قانونی تناسبی با خصوصیات او ندارد»² که این تفسیر نیز با توجه به این که مناسب بودن را به تناسب مجازات تفسیرنموده و نه تخفیف مجازات؛ به دلیل پیش گفته از نظر نگارنده مردود می‌باشد. تنها استثنایی که نگارنده در این خصوص با آن مواجه گردیده است، تبدیل کیفر تنمیمی مذکور در ماده‌ی ۱۹ قانون مجازات اسلامی به واسطه‌ی تخلف مرتکب، به زندان یا جزای نقدی به حکم ماده‌ی ۲۰ قانون مجازات اسلامی است. حتی اگر قایل به این باشیم که جزای نقدی نسبت به اقامت اجباری خفیف‌تر است، شکی در این نیست که مجازات حبس

¹ - رضا نوربها، زمینه‌ی حقوق جزای عمومی، چاپ ۲۱، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۰، ص ۳۹۴

² - محمد علی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ دهم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۲، ص ۲۱۴

مجازات‌های شدیدتر از اقامت اجباری می‌باشد و نگارنده در هنگام انجام وظیفه در اجرای احکام کیفری به وضوح اظهار ناراحتی و پشیمانی افرادی که مجازات اقامت اجباری ایشان به حبس تبدیل شده بود را مشاهده نموده است. لذا تبدیل مجازات اقامت اجباری به حبس در جهت تشدید کیفر و نه تخفیف آن است. البته دلیل آن نیز روشن است چرا که محکوم علیه به اجرای کیفر تعیین شده تن در نداده و دادگاه برای تنبیه او، کیفر وی را تبدیل می‌نماید و جهت آن بر خلاف جهات مطرح شده در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی محکوم علیه را مستحق برخورد شدیدتر می‌نماید. گرچه برخی براین عقیده‌اند که مجازات‌های بدنی نظیر اعدام و شلاق شدیدترین نوع مجازات هستند ولی به نظر می‌رسد از لحاظ اشد و اخف بودن بتوان مجازات‌ها را به ترتیب به اعدام، حبس، شلاق و جزای نقدی دسته‌بندی کرد. «در قانونگذاری ایران گاه مشاهده می‌شود که قانونگذار در صورت پیش‌بینی یک کیفیت مشدده یک جرم، مجازات مرتکب را در مقام تشدید از شلاق به زندان تبدیل می‌کند.»^۱ که این موضوع از باب تشدید منطقی به نظر می‌رسد.

۲. تغییر

تغییر در لغت نامه دهخدا^۲ به معنای از حال بگردانیدن از حال بگشتن، از حالی به حالی برگردانیدن و دیگرگون کردن، از حال خود گردانیدن، آمده است. در فرهنگ معین^۳ تغییر به معنای دیگرگون ساختن، گردش دیگرگونی، آمده است. در اصطلاح تغییر به معنای عوض شدن یا عوض کردن چیزی به چیز دیگر به طوری که وضعیت حادث در خصوص آن چیز با وضعیت سابق متفاوت باشد؛ می‌باشد.

^۱ - علی خالقی، آیین دادرسی کیفری، چاپ دوم، مؤسسه مطالعات حقوقی شهر دانش تهران، تهران، ۱۳۸۸، ص ۲۸۵

^۲ - http://www.jajsoo.com/books/word_book/dehkhoda

^۳ - http://www.rismoon.com/moeeen_search_result

گفتار دوم: فلسفه‌ی تبدیل مجازات

مجازات فی نفسه متحمل کننده‌ی یک رنج و عذاب به محکوم علیه است و این وجه اشتراک تمامی مجازات‌هایی باشد. تحمیل رنج از جانب انسان به انسانی دیگر باتوجه به قبح ذاتی فعل، می‌باید دارای توجیهی قوی و عقلانی باشد و این توجیه را اهدافی که برای مجازات در نظر گرفته می‌شود میسر می‌سازند. از جمله اهداف مجازات‌ها اصلاح و تربیت بزهکار، پیشگیری از وقوع جرم به شکل خاص نسبت به مجرمان و شرکاء معاونین جرم و به شکل عام نسبت به جامعه، اجرای عدالت و برقرای نظم عمومی و جنبه‌ی ترمیمی مجازات نسبت به بزه‌دیده و جامعه می‌باشد. قانونگذار حین وضع قوانین و دادگاه حین تعیین مجازات برای جرم خاص، باید همواره این اهداف را پیش روی خود داشته باشند و با توجه به آن مجازاتی را وضع و اعمال کنند. از سوی دیگر، برخی از مجازات‌ها با این که بعضی از اهداف فوق را محقق می‌سازند، اما تبعاتی را نیز به دنبال خود دارند که به ضرر مجرم و گاهی جامعه است. مانند مجازات حبس که از طرفی باعث فشار به اطرافیان و خانواده‌ی مجرم است که با اصل شخصی بودن مجازات‌ها منافات دارد و از طرفی باعث تحمیل هزینه‌های گزافی به دولت برای اداره‌ی زندانها می‌شود. حال باید در پی راهی برای رفع این مشکل بود. ممکن است زمان و مکان اعمال و اجرای نوع خاصی از مجازات را ایجاب نمایند. مجازات‌هایی را که به دلیل گذشت زمان و شرایط حقوقی و اجتماعی داخلی و خارجی و بازتابی که اعمال آن نوع خاص از کیفر در سطح جامعه دارد قابلیت اعمال و اجرا ندارند از این دسته اند. مثل مجازات اعدام که در عصر حاضر مقبولیت چندانی در جامعه بشری ندارد و حتی در ایران نیز حسب مشاهدات نگارنده معمولاً دادگاهها در جرایمی نظیر جرایم مواد مخدر تا حد امکان در مواردی که مجازات قانونی اعدام می‌باشد در صدد ارائه‌ی استدلالاتی در راستای تبدیل مجازات و